

تحلیل ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجوه با رویکرد انتقال حق

دکتر میرقاسم جعفرزاده*

حمید احمدی راد**

چکیده

انتقال الکترونیکی وجوه به عنوان چهره‌ی نوین یکی از مهم‌ترین روش‌های پرداخت، در کشورهای مختلف، از رواج عملی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. بی‌تردید دریافت ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجوه می‌تواند در شناخت دقیق ابعاد حقوقی مرتبط و کشف آثار و عوارض مترتب بر آن، مفید واقع شود.

در این مقاله، با توجه به بهره‌مندی نظام حقوقی ایالات متحده‌ی آمریکا از سوابق منسجم تقنینی و قضایی از یک سو و احساس نیاز طرح و بررسی موضوع در حقوق ایران از سوی دیگر، پس از تبیین اجمالی تاریخچه و اهمیت انتقال الکترونیکی وجوه و ارائه‌ی تعریفی مناسب از آن، سعی شده تا از منظر دو نظام حقوقی مذکور به این پرسش پاسخ داده شود که با فرض بده‌کار بودن بانک به مشتری در خصوص وجوه ایداعی وی، آیا فرآیند انتقال الکترونیکی وجوه که دستورهای پرداخت متعدد را در بر دارد، از حیث ماهیت می‌تواند مصداقی از انتقال حق محسوب شود. در تحقیق حاضر، فارغ از فرض وجود رابطه‌ی قراردادی خاص بین بانک و مشتری، ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجوه با اتنا بر جوهر اصلی آن یعنی دستور پرداخت، با نهاد انتقال حق مورد تحلیل حقوقی قرار می‌گیرد. در نهایت، به نظر می‌رسد در هر دو نظام حقوقی با لحاظ قوانین و رویه‌ی حاکم، با توجه به توضیحات معنونه، قصد مشترک بانک و مشتری از انتقال الکترونیکی وجوه، علی‌الاصول، انتقال حق نمی‌باشد. ضمن این که انتقال حق، نمی‌تواند قابلیت لغو دستور پرداخت، ضرورت قبول دستور توسط بانک و فرض عدم بدهی قبلی بانک به مشتری در انتقال الکترونیکی وجوه را توجیه نماید. لذا تشابهات ظاهری دو مفهوم مذکور نباید فریبنده باشد و ذهن را منحرف نماید.

کلید واژگان

انتقال وجوه، دستور پرداخت، انتقال حق.

* استادیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق خصوصی.

مقدمه

پیشرفت‌های محسوس و مستمر فن‌آوری و رواج به کارگیری فن‌آوری‌های نوین در عرصه‌ی تعاملات تجاری و مالی، دانش حقوق را بر آن می‌دارد تا با کاوش در اصول و قواعد موجود یا تلاش در ایجاد ضوابط جدید، به نیازهای مستحدثه پاسخ دهد. تحقیق حاضر در یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مشترک مالی و حقوقی که همانا مقوله‌ی پرداخت می‌باشد انجام گرفته و یکی از روش‌های نوین پرداخت یعنی انتقال الکترونیکی وجه را مورد تحلیل حقوقی قرار می‌دهد. بدیهی است که دریافت آثار مترتب بر روابط بانک و مشتری در فرآیند انتقال الکترونیکی وجه، فرع بر شناخت ماهیت حقوقی این مفهوم است. با توجه به وجود قرابت‌های ظاهری قابل توجه بین مفهوم مذکور و نهاد انتقال حق در رویکرد نخست، در این پژوهش تلاش شده تا ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجه با نهاد انتقال حق مورد بررسی و تحلیل مقایسه‌ای قرار گیرد. در نخست اجمالاً اهمیت و سابقه‌ی تاریخی بحث تبیین می‌گردد و جای‌گاه آن از حیث منابع حقوقی روشن و سپس با عنایت به منابع موجود، تعریفی قابل قبول از اصطلاح انتقال الکترونیکی وجه ارائه می‌شود. در نهایت با تحلیل حقوقی دو نهاد مذکور در نظام حقوقی ایالات متحده و ایران، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا در فرض عدم وجود رابطه‌ی قراردادی خاص بین بانک و مشتری، می‌توان فرآیند انتقال الکترونیکی را مصداقی از انتقال حق دانست؟ تمایزات موجود تفصیلاً مورد توجه قرار گرفته و جمع‌بندی می‌شوند.

۱- سابقه‌ی تاریخی و اهمیت انتقال الکترونیکی وجه

پرداخت، رکن اساسی تعاملات تجاری در سطح داخلی و بین‌المللی است و انتقال وجه نیز خواه در شکل سنتی خود، خواه در گونه‌ی الکترونیک، به دلیل سرعت، سهولت و قلت هزینه‌های مترتبه، سال‌هاست در جهان به عنوان یکی از معمول‌ترین روش‌های پرداخت محسوب می‌شود. در بیان اهمیت موضوع و به عنوان نمونه در حالی که هر پرداخت از طریق چک ۱/۰۳ دلار برای دولت ایالات متحده ایجاد هزینه می‌نماید، انتقال الکترونیکی وجه صرفاً ۱۰/۵ سنت هزینه‌زاست.^۱ سیستم‌های پرداختی که از شبکه‌ی توزیع الکترونیکی استفاده می‌کنند، از دهه‌ی ۱۹۶۰ خاصه به منظور انتقال حجم بالای وجه، در حوزه‌ی بانک‌داری و تجارت رویه‌ی متداولی را تحقق بخشیده‌اند.

در ۱۹۶۷ اتاق پایاپای نیویورک، روش پرداخت بین بانکی اتاق پایاپای^۲ را برقرار نمود که امکان انتقال دلار آمریکایی

1. <http://www.fms.treas.gov/eft/index.html>, last visited on 2011-10-08 (The official website of the Bureau of United States Department of Treasury).

2. Clearing House Interbank Payment System (CHIPS).

روش پرداخت بین بانکی اتاق پایاپای از حدود چهل سال گذشته تا کنون در نظام پولی ایالات متحده در زمینه‌ی "Wire Transfer Payments" در حجم کلان برقرار است. امروزه سیستم مذکور بیش از ۹۵ درصد تراکنش‌های دلاری برون‌مرزی و قریب نیمی از تراکنش‌های داخلی را عهده‌دار است. نک.

<http://www.chips.org/about/pages/033738.php>, last visited on 2011-10-08 (The United States Clearing House of Interbank Payment System).

و اجرای تراکنش‌های^۳ برخط^۴ را فراهم آورد.^۵ در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، کمیکال بانک^۶ سیستم موسوم به پورونتو^۷ را با امکان ایجاد سه‌هزار پایانه‌ی رایانه‌ای با پیوندهای خانگی به رایانه‌های مرکزی از طریق تلفن راه‌اندازی کرد که تسهیلات قابل توجهی نظیر بررسی صورت حساب‌ها، انتقال وجه بین حساب‌های آن بانک و پرداخت صورت حساب‌های بعضی فروشندگان محلی را ارائه می‌نمود.

در ایران، سابقه‌ی فعالیت‌های بانک‌داری الکترونیک به سال ۱۳۵۰ خورشیدی برمی‌گردد. در آن زمان بانک‌های تهران با در اختیار گرفتن بین هفت تا ده دستگاه خودپرداز در شعبه‌های خود نخستین تجربه‌ی پرداخت اتوماتیک پول را تنها در همان شعبه‌ای که دستگاه در آن نصب شده بود، بر عهده داشتند. طرح جامع خودکار شدن نظام بانکی کشور در سال ۱۳۷۲ به طور رسمی اعلام شد و در همان سال بر اساس مصوبه‌ی مجمع عمومی بانک‌ها طرح مذکور شکل گرفت که یکی از اهداف آن کاهش مبادلات نقدی و نقل و انتقال فیزیکی پول بود.^۸ در اجرای این طرح، در سال ۱۳۸۳ شمار دستگاه‌های خودپرداز به ۲۸۸۹ و دستگاه‌های نقطه‌ی فروش به ۹۹۶۶۶ افزایش یافت که به ترتیب رشد هشت و سه برابری نسبت به سال ۱۳۷۹ داشته است.^۹

۲- جای گاه حقوقی انتقال الکترونیکی وجوه

با تامل اجمالی در وضعیت و روی کرد نظام‌های شناخته شده‌ی حقوقی جهان، به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایالات متحده‌ی آمریکا از حیث سابقه‌ی تقنینی و رویه‌ی قضایی از انسجام قابل توجهی برخوردار است. بررسی تاریخی نشان می‌دهد امکان انجام عملیات بانکی از طریق الکترونیک برای مشتریان، تاثیر شگرفی بر قوانین بانکی ایالات متحده‌ی آمریکا داشته و در حقیقت به همان میزان که فن‌آوری پیش‌رفت نموده و صنعت بانک‌داری را دچار تحول ساخته، حقوق بانکی نیز متناسباً تغییرات چشم‌گیری را به خود دیده و خواهد دید.^{۱۰}

۳. بر اساس بند «د» ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی نظام بانک‌داری الکترونیک، تراکنش، یک پیام الکترونیک است که بنا به تقاضای مشتری در یکی از درگاه‌های ارائه خدمات بانکی نظیر خودپرداز و یا پایانه‌ی فروش، ایجاد و به شبکه الکترونیک بانکی ارسال می‌شود و از حیث فنی لازم به ذکر است که «یک تراکنش، قراردادی است که موفقیت یا عدم موفقیت مجموعه‌ای از عملیات را تضمین می‌کند که در صورت عدم موفقیت، اطلاعات باید دست نخورده باقی بمانند. به عنوان یک نمونه‌ی کلاسیک، می‌توانیم یک حساب جاری را در نظر بگیریم. هنگامی که یک چک را به حساب خود می‌گذارید، بانک مبلغ مشخص شده را از حساب مربوطه برداشته و به حساب شما واریز می‌کند. کل این عملیات در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که برداشت و واریز پول به طور کامل انجام شود. در این حالت عمل دوگانه‌ی برداشت از یک حساب و واریز به یک حساب دیگر را یک تراکنش می‌گوییم». نک. نشانه اینترنتی اولین پایگاه برنامه‌نویسان ایرانی :

<http://www.irandevolvers.com>.

۴. On-Line.

۵. عمل نیک، محسن صادق و دیگران، «تدوین روی کرد انتقال از بانک‌داری سنتی به بانک‌داری الکترونیک در ایران»، فصل‌نامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره‌ی ۷، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۲.

۶. Chemical Bank.

۷. Pronto.

۸. [http://tarikhema.ir/abhar/abhar-is-my-city/\(witten](http://tarikhema.ir/abhar/abhar-is-my-city/(witten) by Sepideh Heidarali), last visited on 2011-10-08.

۹. عباسی نژاد، حسین؛ مهنوش، مینا، بانک‌داری الکترونیک، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸، صص. ۲۱۴-۲۲۶.

۱۰. Gale Group, Gale Encyclopedia of Everyday Law, USA, Gale, Vol1, 2003 pp.,81-82.

از دیدگاه کلی، نظام حقوقی حاکم بر فعالیت بانک‌ها در ایالات متحده‌ی آمریکا، مشتمل بر نظام حقوقی فدرال و ایالتی است. تجربه‌ی آمریکایی ثابت کرده نظر به خصوصیات ویژه‌ی انتقال وجه، با وجود مجموعه‌های جامع قانونی ناظر بر سایر روش‌های پرداخت، اعمال مستقیم یا بر مبنای قیاس این دست قوانین بر روش مذکور، چندان مناسب نمی‌باشد. قانون جامع متحدالشکل تجاری ایالات متحده^{۱۱}، در سطح ایالتی، مجموعه‌ای از قوانین موضوعه را که مرتبط با برخی فعالیت‌های مالی شامل بانک‌داری و عملیات مربوط به اخذ تضمین می‌باشد، به صورت نمونه ارائه می‌نماید. ماده‌ی ۴A قانون اخیر ناظر بر انتقال وجه به صورت کلان است که تحت عنوان تراکنش‌های تجاری به تفصیل به بیان احکام مربوط به آن می‌پردازد. از سوی دیگر، قانون انتقال الکترونیکی وجه به عنوان قانونی آمره، حمایتی^{۱۲} و در راستای صیانت از اعتبار مصرف‌کننده در ۱۹۷۸ در سطح فدرال توسط کنگره به تصویب رسیده که محدود به تراکنش‌های مشتری مصرف‌کننده است.^{۱۳} البته ماده‌ی ۴A ناظر بر تراکنش‌های مشمول قانون انتقال الکترونیکی وجه مصوب ۱۹۷۸ نبوده و منصرف از آن است.^{۱۴}

مضافاً، ضوابط و مقررات تدوین شده توسط هیئت ذخیره‌ی فدرال نظیر مقررات E و J^{۱۵} نیز به نحوی، ابعادی از موضوع را تحت شمول خود قرار می‌دهند. حقوق و تکالیف مشتری مصرف‌کننده و موسسات مالی، در تراکنش‌های الکترونیکی، شامل انتقال وجه از طریق دستگاه خودپرداز^{۱۶} و سیستم نقطه‌ی فروش^{۱۷} تحت پوشش قانون انتقال الکترونیکی

11. Uniform Commercial Code (UCC) .

قانون متحدالشکل تجاری، یکی از مجموعه‌های حقوقی مدون و کارشناسی شده در ایالات متحده‌ی آمریکا است که در ۱۹۵۲ توسط کنفرانس ملی نمایندگان قوانین موضوعه‌ی ایالات و موسسه‌ی حقوق آمریکایی تدوین گردیده است. با وجود این که متن مذکور صرفاً در صورت تصویب هر ایالت برای آن ایالت لازم الاجرا می‌گردد، لکن محصول این دو موسسه‌ی حقوق خصوصی در یک یا بعضی نسخ در کل ایالات مورد تصویب قرار گرفته است. برای اطلاعات بیشتر در خصوص بحث مقاله حاضر نک.

www. law. duke. edu/lib/researchguides/pdf/ucc. pdf, last visited on 2011-10-08(The official website of Duke Law university of United States).

۱۲. این قانون امکان هرگونه توافق برخلاف حقوق پیش‌بینی شده برای مشتری را منع کرده و در عین حال درج شرایط حمایتی بیش از استانداردهای مقرر را به نفع مشتری، مجاز دانسته است.

13. Electronic Fund Transfers Act 1978 :

لازم به ذکر است صرف نظر از این که وصف الکترونیک و سنتی به عنوان دو روش انتقال وجه، موثر در ماهیت مفهوم مذکور نیست، لکن قانون‌گذار آمریکایی با توجه به حجم مبادلاتی و تفاوت‌های اجرایی استفاده از دو روش مذکور و نیز با ابتنا بر جنبه‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کننده، قواعد حاکم بر انتقال الکترونیکی وجه را در قالب قانون مستقلی که زیرمجموعه‌ای از قانون حمایت از اعتبار مصرف‌کننده می‌باشد، تدوین و تصویب نموده است. دلیل اصلی استفاده از عبارت انتقال الکترونیکی در عنوان مقاله‌ی حاضر نیز همین امر می‌باشد. ضمناً لازم به توضیح است که قانون انتقال الکترونیکی وجه، به عنوان فصل فرعی ششم از فصل اصلی چهل و یکی از عنوان‌های پانزدهم کد ایالات متحده‌ی آمریکا (USC) محسوب می‌شود.

White, Paul F; Islam, Sardar M. N; Formulation of Appropriate Laws: A New Integrated Multi disciplinary Approach and an Application to Electronic Funds Transfer Regulation, Germany, Springer, 2008, p. 44.

14. <http://neuro.law.cornell.edu/nyctap/search/display.html>, last visited on 2011-10-08(The official website of Legal Information Institute of Cornell University Law School).

۱۵. مقررات J و E توسط هیئت روسای سیستم ذخیره‌ی فدرال و پیرو قانون انتقال الکترونیکی وجه، تصویب شده است. انتشارات قانونی این موسسه از نفوذ و اثر لازم الاجرای قانون فدرال برخوردار می‌باشد و لذا نافی جمیع مقررات ایالتی معارض است.

16. Automated Teller Machine (ATM).

17. Point Of Sale(POS).

و جوه مصوب ۱۹۷۸ و مقررات E سیستم ذخیره‌ی فدرال قرار می‌گیرند.

انتقال وجوه انجام شده از طریق سیستم پرداخت بین بانکی اتاق پایاپای تابع رویه‌ها و قواعد ناظر بر آن می‌باشد که مقرر می‌کند قوانین ایالت نیویورک که مشتمل بر مفاد ماده‌ی A4 قانون متحدالشکل تجاری می‌باشد، بر عملیات سیستم پرداخت بین بانکی اتاق پایاپای حاکمیت دارد.

سابق بر تصویب ماده‌ی A4 هیچ مجموعه‌ی حقوقی اعم از قانون موضوعه یا تصمیم قضایی در مقام تعریف ماهیت انتقال وجوه یا بیان حقوق و تعهدات ناشی از دستور پرداخت در نظام حقوقی ایالات متحده وجود نداشته و تصمیمات قضایی در ارتباط با انتقال وجوه، متشنت، غیرپیش‌رفته و ناهمگون بوده است. قضات ناگزیر بودند دعاوی مرتبط با انتقال وجوه را با استناد به اصول کلی کامن‌لا یا انصاف یا قیاس با ماده‌ی ۴ ناظر بر سایر روش‌های پرداخت حل و فصل نمایند. لکن تعریف حقوق و تعهدات ناشی از انتقال وجوه با ابتنا بر موارد یادشده، مطلوب نبوده و نیست. دقت در نحوه‌ی تنظیم ماده‌ی A4 گویای آن است که نظر به خصایص این روش پرداخت و آثار ویژه‌ی مترتب بر آن، در ایالات متحده، تصمیم بخردانه‌ای در اختصاص ماده‌ای جداگانه و تعیین تکلیف حقوقی واگذاری مسئولیت‌ها، تعریف قواعد رفتاری، تخصیص ریسک و ایجاد محدودیت‌های مسئولیت اتخاذ گردیده، بدون این که صرفاً به ذکر اصول کلی و قابل تفسیر بسنده شود. بنابراین امروزه در ایالات متحده، استناد به اصول کلی حقوقی و انصاف، خارج از قالب ماده‌ی A4 قانون متحدالشکل تجاری یا قانون انتقال الکترونیکی وجوه، جهت ایجاد حقوق یا وضع تکالیف به صورت ناهمگون با مفاد این مقرر، محملی ندارد.^{۱۸}

در ایران براساس بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ یکی از وظایف نظام بانکی، انجام کلیه‌ی عملیات بانکی ارزی و ریالی دانسته شده است. طرح جامع اتوماسیون بانکی پس از مطالعه و بررسی‌های گوناگون در قالب پیشنهادی برای تحولی جامع در برنامه‌ریزی فعالیت‌های انفورماتیکی بانک‌ها به مسئولان شبکه‌ی بانکی ارائه شد که با مصوبه‌ی مجمع عمومی بانک‌ها در سال ۱۳۷۲ طرح جامع اتوماسیون سیستم بانکی شکلی رسمی به خود گرفت. در خرداد ۱۳۸۱ مجموعه مقررات حاکم بر مرکز شبکه‌ی تبادل اطلاعات بین بانکی موسوم به شتاب به تصویب رسید. بدین سان اداره‌ی شتاب بانک مرکزی در ۱۳۸۱/۴/۱ تاسیس و با هدف فراهم کردن زیرساخت بانک‌داری الکترونیکی آغاز به کار کرد.^{۱۹} پس از تصویب قانون تجارت الکترونیک در ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ توسط مجلس شورای اسلامی، گام‌های قابل ملاحظه‌ای در راستای بسترسازی لازم در زمینه‌ی بانک‌داری الکترونیکی برداشته شده است. در این راستا، بند ج - ۴ ماده‌ی ۱۰ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مقرر می‌داشت: «دولت مکلف است از سال اول برنامه‌ی چهارم، نسبت به برقراری نظام بانک‌داری الکترونیکی و پیاده‌سازی رویه‌های تبادل پول و خدمات بانکی الکترونیکی ملی و بین‌المللی در کلیه‌ی بانک‌های کشور و برای همه‌ی مشتریان اقدام نماید».

آیین‌نامه‌ی بانک‌داری الکترونیکی به عنوان مصوبه‌ی شماره‌ی ۲۱۱۸۴۵/ت ۳۹۳۹۳ مورخ ۸۶/۱۲/۲۶ هیئت وزیران که بر همین مبنا به تصویب رسیده، از مجموع هشت آیین‌نامه‌ای است که به منظور تحول رفتاری در نظام بانکی تدوین و برای اجرا به دستگاه‌های ذیربط ابلاغ شده است. در این آیین‌نامه‌ی ۲۶ ماده‌ای، تعیین راه‌بردها و راهبری زیرساخت‌های نظام جامع

18. <http://www.law.cornell.edu/ucc/4A/4A-102.html>, last visited on 2011-10-08 (The official website of Legal Information Institute of Cornell University Law School).

19. <http://www.sepahanbank.ir>, last visited on 2011-10-08 (The official website of Iran Sepah Bank).

پرداخت و بانک‌داری الکترونیکی برعهده‌ی بانک مرکزی واگذار شده است. کلیه‌ی بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور موظفند در طرح‌هایی که به هر شکل متضمن دریافت و پرداخت الکترونیکی و وجوه بین بانکی باشد، مطابق با استانداردها و دستورالعمل تدوین شده توسط این بانک عمل کنند. بر اساس ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی مذکور بانک‌ها موظف شدند ظرف شش ماه پس از ابلاغ آیین‌نامه، حداقل یک پایانه‌ی پرداخت غیرحضوری به غیر از دستگاه‌های نظیر دستگاه خودپرداز و سیستم نقطه‌ی فروش، تلفن بانک، بانک همراه و اینترنت را با لحاظ مسایل امنیتی به گونه‌ای فعال نمایند که قابلیت نقل و انتقال الکترونیکی وجوه بین حساب‌های خود و پرداخت الکترونیکی را داشته باشند. بانک مرکزی نیز دستورالعملی را برای صدور چک بانکی به بانک‌های سراسر کشور ابلاغ نمود که بر اساس آناز تاریخ ۱۳۸۷/۱/۲۵ انتقال وجوه بین بانکی اعم از عملیات بانک به بانک و مشتری به مشتری صرفاً از طریق ارسال دستور پرداخت به سامانه‌ی تسویه‌ی ناخالص آتی (ساتنا) مجاز خواهد بود. بر همین اساس انتقال وجوه توسط مشتریان از یک بانک به بانک دیگر تا مبلغ پانصد میلیون ریال و بیش از آن از طریق ارسال دستور پرداخت الکترونیکی (سامانه‌ی ساتنا) صورت خواهد پذیرفت و بانک‌ها مجاز به صدور چک بین بانکی در این خصوص نخواهند بود.^{۲۰}

۳- تعریف و تبیین عناصر انتقال الکترونیکی وجوه

اصطلاح انتقال الکترونیکی وجوه از حیث فنی به استفاده از رایانه یا وسایل مخابراتی جهت ایجاد یا اجرایی نمودن فرآیند پرداخت تعریف می‌شود که در عمل، این مفهوم شامل استفاده از دستگاه‌های خودپرداز، سامانه‌ی نقطه‌ی فروش و نیز تراکنش‌های بر خط می‌باشد.^{۲۱} بند B1 ماده‌ی ۳-۲۰۵ قانون انتقال الکترونیکی وجوه آمریکا مصوب ۱۹۷۸، نیز اصطلاح مذکور را بیش تر با اتخاذ روی کرد فنی به این نحو تعریف می‌نماید.^{۲۲}

ماده‌ی A4 قانون متحدالشکل تجاری که ناظر بر تراکنش‌های کلان و عمده‌ی تجاری می‌باشد، در بند (a) 104 خود فارغ از قید «الکترونیک»، انتقال وجه را بدین گونه تعریف می‌نماید:

«انتقال وجوه به معنی مجموعه‌ای از تراکنش‌هایی است که با دستور پرداخت صادره توسط اصل ساز به منظور پرداخت وجه به ذی‌نفع دستور، آغاز می‌شود. این اصطلاح شامل هرگونه دستور پرداخت صادره توسط بانک اصل ساز یا بانک واسط در اجرای دستور پرداخت اصل ساز می‌باشد. انتقال وجه با قبول دستور پرداخت اصل ساز توسط بانک ذی‌نفع به سود ذی‌نفع، کامل می‌گردد».

از دیدگاه نظری و بر اساس بند (a) 104(۱۰۴) ماده‌ی A4 قانون متحدالشکل تجاری، فرآیند انتقال وجوه {در بعد الکترونیکی

^{۲۰}. البته با وجود موارد مذکور که واجد جنبه‌ی تقنینی و اجرایی می‌باشد، مشهود است که ایران به عنوان کشوری نوپا در عرصه‌ی انتقال الکترونیک وجوه محسوب می‌گردد که شرایط فعلی، اقتضا دارد از کشورهای صاحب تجربه و سبک، الگوهای متناسب اخذ و پس از جری فرآیند بومی شدن در سطح قانون‌گذاری و اجرایی، به منظور پاسخ به نیازهای موجود استفاده گردد.

21. Sienkiewicz, Stanley J, «The Evolution of EFT Networks from ATM's to New on Line Debit Payment Product », USA, Federal Reserve Bank of Philadelphia, April . 2002, p. 2.

^{۲۲}. «اصطلاح انتقال الکترونیکی وجوه به معنی هرگونه انتقال وجهی جز تراکنش‌های انجام شده از طریق چک، حواله یا اسناد کاغذی مشابه است که از طریق پایانه‌ی الکترونیکی، وسایل تلفنی یا نوار رایانه‌ای و مغناطیسی به منظور ارائه سفارش، صدور دستور یا تجویز موسسه‌ی مالی به بده‌کار یا بستانکار نمودن حسابی اجرایی می‌شود. این اصطلاح بدون قید حصر شامل انتقالات نقطه‌ی فروش، تراکنش‌های دستگاه خودپرداز، واریز یا برداشت مستقیم و تراکنش‌های تلفنی می‌گردد».

و غیر الکترونیکی^{۲۳}، در واقع، یک سلسله دستورهای پرداخت است که با دستور اصل ساز^{۲۴} دایر بر پرداخت مبلغی معین به شخص ذی نفع آغاز و با تامین اعتبار به حساب ذی نفع توسط بانک کامل می شود. در این فرآیند، ارزش مالی از طریق بده کار یا بستنکار نمودن حساب اصل ساز به ذی نفع منتقل می گردد. اغلب در فرآیند انتقال وجوه یک یا چند بانک واسط که دستور پرداخت را از بانک اصل ساز یا بانک دیگر دریافت می کنند، وجود دارد و بانک دریافت کننده ی دستور، متعاقبا آن را به بانک واسط یا بانک ذی نفع، منعکس می نماید. در یک فرآیند ساده ی انتقال وجه، اصل ساز به بانکش اعلام می کند که حسابش را بده کار و به بانک ذی نفع منعکس کند که حساب ذی نفع را بستنکار نماید. این درخواست ها^{۲۴} به عنوان دستور پرداخت تلقی می شود. چنانچه بانک اصل ساز درخواست مذکور را قبول کند، اصل ساز نسبت به بانکش متعهد پرداخت مبلغ مندرج در مفاد دستور خود می گردد. ((4A-402(b)). بانک اصل ساز نیز متقابلا متعهد است که درخواست پرداخت قبول شده را مطابق نظر اصل ساز اجرا کند. (4A-302).

با نظر به این که ماده ی A4 تلویحا در مقام تبیین جوهر اصلی مفهوم انتقال وجوه یعنی «دستور پرداخت» می باشد، لذا به نظر می رسد استدراک ماهیت انتقال وجوه بی تردید، فرع بر احراز ماهیت دستور پرداخت است. راهنمای حقوقی آنسیترال در خصوص انتقال الکترونیک وجوه، دستور انتقال وجه را چنین تعریف می نماید: «پیام یا بخشی از یک پیام که دستور یا جزئیات لازم برای انتقال وجه را دربر دارد. ضمنا، دستور انتقال وجه می تواند شامل انتقال اعتبار یا انتقال بدهی باشد».

قانون نمونه ی آنسیترال در خصوص انتقال اعتباری بین المللی مصوب ۱۹۹۲، در بند b ماده ی ۲ «دستور پرداخت» را چنین تعریف می نماید: «دستور بدون قید و شرط صادره توسط ارسال کننده به بانک دریافت کننده دایر بر ارائه ی مبلغ مشخص یا قابل تعیینی به ذی نفع، مشروط بر این که اولاً، مقرر باشد تامین وجه برای بانک دریافت کننده ی دستور، بر اساس بده کار نمودن حساب ارسال کننده یا دریافت مبلغ از وی صورت گیرد و ثانیاً، مفاد دستور مقرر نکرده باشد که پرداخت بنا به درخواست ذی نفع، تحقق یابد».

در قانون انتقال الکترونیک وجوه تعریف صریحی از «دستور پرداخت» ارائه نشده است. بند (1)(a) 103 ماده ی A4 قانون متحدالشکل تجاری دستور پرداخت را در انتقالات اعتباری کلان چنین تعریف می کند: «دستور ارسال کننده به بانک دریافت کننده به صورت شفاهی یا الکترونیکی یا کتبی دایر بر پرداخت مبلغ مشخص یا قابل تعیینی پول یا ایجاد سبب پرداخت توسط بانک دیگر به ذی نفع مشروط بر این که اولاً، دستور، جز مدت، واجد شرطی برای پرداخت به ذی نفع نباشد، ثانیاً، مقرر باشد تامین وجه برای بانک دریافت کننده بر اساس بده کار نمودن حساب ارسال کننده یا دریافت مبلغ از وی صورت گیرد، ثالثاً، دستور، مستقیماً از طریق سیستم انتقال وجه یا سیستم های ارتباطی برای انتقال توسط ارسال کننده به بانک دریافت کننده یا نماینده ارسال گردد».

^{۲۳} اصطلاح «اصل ساز»، ترجمه ی کلمه ی ((Originator)) می باشد که به تبعیت از قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ انتخاب شده است. قانون یادشده در بند «ب» ماده ی ۲ در مقام تعریف اصطلاح مذکور مقرر می دارد: «منشا اصلی داده پیام است که داده پیام به وسیله ی او یا از طرف او تولید یا ارسال می شود. اما شامل شخصی که در خصوص داده پیام به عنوان واسطه عمل می کند نخواهد شد».

^{۲۴} دقت در مفهوم درخواست نشان می دهد که به کارگیری اصطلاح «دستور پرداخت» که ترجمه لفظ به لفظ عبارت ((Payment order)) می باشد، در واقع خالی از مسامحه نیست. لکن کثرت استعمال اصطلاح مذکور در حقوق ایران و نیز ایالات متحده، سبب گردیده در تحقیق حاضر نیز براین روش عمل گردد.

در نظام حقوقی ایران، بند «ح» ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی بانک‌داری الکترونیکی ضمن به‌کارگیری عبارت انگلیسی «**Electronic Fund Transfer**» در عمل به تعریف اصطلاح پایانه‌ی فروش اقدام نموده است. به نظر می‌رسد استعمال عبارت انگلیسی مذکور، از باب مسامحه در بیان بوده، چرا که با دقت در تعریف ارائه شده، مشخص می‌گردد که تعریف مذکور در واقع تعریف اصطلاح پایانه‌ی فروش و ترجمه‌ی عبارت «**Point of Sale**» بوده که در واقع یکی از روش‌های انتقال الکترونیکی وجوه است.^{۲۵} با مطالعه‌ی سوابق بحث از حیث نظری و کاربردی روشن می‌شود که از حیث تعریف، نظر به سابقه‌ی فنی بحث، همان تعاریف ارائه شده‌ی بین‌المللی در نظام حقوقی ایران نیز مورد قبول است، چرا که از حیث ماهیت فنی، فرآیند مذکور در کشورهای مختلف، واجد تفاوت عمده‌ای نمی‌باشد.

نظر به موارد مذکور، تعریف صحیح برای دستور پرداخت در تحقیق حاضر عبارت است از:

«دستور ارسالی به بانک دایر بر ایجاد اعتبار یا بدهی به میزان مبلغ مشخص یا قابل تعیین برای ذی‌نفع به وصفی که دستور مذکور حاوی شرطی جز زمان پرداخت نباشد».

بر مبنای تعریف فوق، عناصر اساسی دستور پرداخت به وصف ذیل، قابل تحلیل می‌باشد:

۱- همان‌گونه که از استعمال لفظ «دستور» برمی‌آید، سیاق دستور پرداخت، باید امری باشد ولی به‌کارگیری عبارات خاصی، ضروری نیست.

۲- محتوای دستور پرداخت، ایجاد اعتبار یا بدهی یا ایجاد سبب لازم برای تحقق آن است که شامل پرداخت وجوه به سایر بانک‌ها یا وصول وجه از آن‌ها می‌گردد.

۳- دستور پرداخت باید به منظور پرداخت یا وصول مبلغ مشخص یا قابل تعیینی باشد. عبارت «مبلغ مشخص یا قابل تعیینی پول»^{۲۶} در بند **103(a)(1)** ماده‌ی **A4** قانون متحدالشکل تجاری صراحتاً گویای چنین شرطی است. البته ممکن است در مقام اجرای دستور پرداخت، تبدیل ارز به ارز محلی ضرورت یابد، لکن در هر حال مبلغ موضوع انتقال نباید نامعین یا قابل تغییر باشد.^{۲۷} دستور مشتری به بانکش دایر بر انجام عملی اضافه بر پرداخت یا وصول وجه، دستور انتقال الکترونیکی وجه محسوب نمی‌شود.

۴- به استناد بند **103(a)(1)(i)** ماده‌ی **A 4** قانون متحدالشکل تجاری، دستور پرداخت نباید حاوی هیچ‌گونه شرطی جز زمان پرداخت باشد. الزامی به این که پرداخت، عندالمطالبه باشد، وجود ندارد. مشتری بانک، آزاد است مقرر کند که پرداخت به ذی‌نفع در تاریخ معین یا قبل از آن صورت گیرد. براساس بند **301** ماده‌ی فوق، مشتری می‌تواند علاوه بر تاریخ پرداخت در مفاد دستورش، تاریخ اجرای دستور را نیز مشخص نماید. بر مبنای عنصر مذکور، مواردی که در متن دستور به

^{۲۵} در واقع پایانه‌های فروش، ماشین‌هایی هستند که مانند یک اسکنر اعتباری عمل می‌کند و معمولاً در فروشگاه‌های بزرگ، مراکز تجاری، هتل‌ها، فرودگاه‌ها و... مورد استفاده هستند و به کاربر اجازه می‌دهند پرداخت صورت حساب‌های خرید کالا و خدمات خود را از طریق کارت انجام دهد. در این روش پرداخت، پول بلافاصله‌ی و یا با فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی از حساب بانکی کاربر به حساب فروشگاه یا مرکز تجاری منتقل می‌شود. برای کسب اطلاعات بیش‌تر در خصوص تاریخچه‌ی پایانه‌های فروش نک.

<http://ezinearticles.com/?History-of-POS-Equipment&id=2012699>, last visited on 2011-10-08 (The website of Ezine in which 420,058 Expert Authors Sharing their Best Articles).

26. Fixed or Determinable Amount of Money.

27. Fry, P. B., Basic Concepts in: Article A4: Scope and Definitions, USA, The Business Lawyer, 1990, pp. 1401,1408.

بانک اعلام گردید؛ بانک زمانی نسبت به پرداخت اقدام نماید که ذی‌نفع یا اشخاص دیگر، تعهد مفروض خود را ایفا نمایند یا بانک اسناد معینی را دریافت کند، به دلیل مشروط بودن، مصداق دستور پرداخت نمی‌باشد.

۵- مخاطب دستور پرداخت، باید بانک باشد. بانک در حوزه انتقال الکترونیکی وجوه، در بند 105(2) ماده‌ی 4 A مذکور به عنوان شخصی معرفی شده که در تجارت بانک‌داری به نوعی دخیل باشد؛ این مفهوم شامل بانک‌های ذخیره، انجمن‌های پس‌انداز و وام، اتحادیه‌ی اعتباری و شرکت‌های تراست می‌باشد. در خصوص تراکنش‌های مصرف‌کننده، قانون انتقال الکترونیکی وجوه از اصطلاح «موسسه‌ی مالی» به جای بانک استفاده نموده و در مقام بیان مصادیق آن در ماده‌ی 1693(a)(8) به «بانک ایالتی و ملی، انجمن سپرده و وام ایالتی و فدرال، بانک سپرده‌ی متقابل، اتحادیه‌ی اعتباری ایالتی و فدرال، یا هر شخصی که مستقیم یا غیرمستقیم، حساب مصرف‌کننده‌ای را در اختیار دارد» اشاره کرده است. با توجه به این مراتب، دستور به شخص بده‌کار دایر بر پرداخت مبلغ معینی به ثالث، شرط مورد بحث را تامین نمی‌کند. البته دستور پرداخت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به بانک منعکس گردد.

۶- ضرورت ندارد که دستور پرداخت از طریق وسایل الکترونیکی، اصل‌سازی گردد. بر اساس بند 103(a)(1) ماده‌ی 4A قانون منظور، دستور کتبی یا شفاهی به بانک دایر بر انتقال مبلغ معین، دستور پرداخت محسوب می‌گردد. اطلاق لفظ «دستور» مفید این معناست. در عمل، دستور پرداخت هر بانک به بانک بعدی در یک زنجیره به صورت الکترونیکی منعکس می‌گردد و اغلب، دستور پرداخت اصل‌ساز به بانکش نیز به صورت الکترونیکی منتقل می‌شود، لکن وسیله‌ی انتقال از حیث حقوقی موثر در مقام نیست. دستور پرداخت ممکن است با هر وسیله‌ای و حتی در برخی موارد از طریق وسایلی با سرعت کم مانند پست عادی انجام شود.

۷-

۴- انتقال حق^{۲۸}

در نظام حقوقی ایالات متحده‌ی آمریکا، انتقال حق، اجمالا به معنی واگذاری حقوق شخص به غیر می‌باشد که این امر مستلزم وجود توافقی است که از طریق آن، انتقال دهنده^{۲۹} بر انتقال حقوق، مالکیت و تصرف موضوع انتقال به منتقل‌الیه موافقت می‌نماید.^{۳۰} ضرورتی ندارد که چنین توافقی به صورت کتبی باشد و ممکن است به صورت عملی ابراز گردد. البته حتما ضروری است که حقوق موضوع انتقال، مشخص و روشن باشد. در انتقال حق، وجود رضایت ذی‌نفع شرط نیست. می‌تواند این اطلاع، توسط متعهد به منتقل‌الیه داده شود. درخواست مستقیم طلبکار از بده‌کار دایر بر پرداخت به نفع ثالث، در فرض عدم اطلاع به آن شخص، سبب نمی‌شود که وی منتقل‌الیه حق مورد دعوا محسوب گردد. درخواست مذکور، صرفا یک دستور قابل عدول است.^{۳۱} از آن‌جا که اثر انتقال حق، از بین بردن اصل نسبی بودن قرارداد بین واگذارنده و متعهد و ایجاد رابطه‌ی قراردادی بین متعهد و منتقل‌الیه است بنابراین شرط است که انتقال‌دهنده، هیچ‌گونه تصرفی بر وجوه و نیز

28. Assignment of Right .

29. در انتقال حق سه طرف وجود دارد: واگذارنده، متعهد و منتقل‌الیه

30. See for instance: Miller v. Wells Fargo Bank International Corp. , 405F. Supp. 452(S. D. N. Y. 1975), affirmed 540F. 2d 548(2d Cir. 1976). and Paragon International , N. V. , v. Standard Plastic Inc. , 353 F. Supp. 88,93 (S. D. N. Y. 1973).

31. Jeager W. , Williston on the Law of Contracts, New York, The Lawyers Co-operative Publishing Co., 3, 1972, at para 246.

اختیاری در وصول یا اعاده‌ی آن نداشته باشد. لذا توافقی که در آن حق مالک اصلی نسبت به ادعای استرداد وجه، حفظ شده باشد انتقال حق محسوب نمی‌شود.^{۳۲}

در نظام حقوقی ایران اگر چه در قوانین و رویه‌ی قضایی، تعریفی روشن از انتقال حق و نیز تبیین شرایط تحقق و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن ارائه نشده است. با توجه به ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی و انطباق قابلیت انتقال حقوق مالی با اصل و عدم مخالفت انتقال حقوق مالی به غیر با قوانین فعلی، موید اعتبار انتقال حق است.^{۳۳} ضمن این که در بخشی از ماده‌ی ۳۸ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ مقرر گردیده است: «هرگاه مدیون بدهی خود را بعد از انتقال، به داین سابق تادیه نماید منتقل الیه، حق رجوع به او نخواهد داشت مگر این که ثابت نماید که قبل از تادیه‌ی دین، انتقال را به اطلاع مدیون رسانیده و یا این که مدیون به وسیله‌ی دیگری از انتقال مستحضر بوده است». ملاحظه می‌شود که در این مقرر تلویدا امکان انتقال طلب، متصور دانسته شده است. توضیح این که حق دینی یکی از اقسام حق می‌باشد و انتقال طلب نیز در واقع انتقال حق دینی است که بر ذمه تعلق می‌گیرد. مبنای تحقق انتقال طلب می‌تواند قراردادی یا قهری باشد. در انتقال حق قراردادی که موضوع بحث فعلی است، مبنای انتقال حق، ممکن است عقدی از عقود معین یا قرارداد موضوع ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی باشد.^{۳۴} با این وصف، در مانحن فیه تبیین سه نکته حائز اهمیت است: اول، همان‌گونه که حقوق دانان با دقت و ظرافت اشاره نموده‌اند بند ۳ ماده‌ی ۲۹۲ قانون مدنی که در مقام بیان یکی از موارد تحقق تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل متعهدله می‌باشد در واقع در انتقال طلب است نه تبدیل تعهد.^{۳۵} لذا در انتقال طلب، تحصیل رضایت بده کار، شرط اعتبار انتقال طلب نمی‌شود؛ زیرا طلب از اموال طلبکار محسوب می‌شود و هر صاحب مالی می‌تواند مال خود را بدون نیاز به اراده‌ی غیر، انتقال دهد. معمولاً برای مدیون تفاوت نمی‌کند که طلبکار او چه کسی است و در مواردی هم که شخص طلبکار برای وی واجد اهمیت و خصوصیت است می‌تواند در قراردادش، شرط عدم انتقال نماید.^{۳۶} دوم، صرف نظر از این که در تحقق انتقال طلب، اراده‌ی مدیون دخالتی ندارد، مستفاد از ماده‌ی ۳۸ قانون اعسار، مطلع بودن وی از تحقق انتقال طلب، ضرورت دارد. دلیل این امر نیز حفظ مصلحت مدیونی است که بدون اطلاع از انتقال طلب، دین خود را به داین سابق تادیه می‌کند.^{۳۷} سوم، با وجود این که حواله، از دیدگاه بعضی، به عنوان انتقال طلب تلقی شده است^{۳۸}، لکن صراحت ماده‌ی ۷۲۵ قانون مدنی در بیان این که «حواله محقق نمی‌شود مگر با رضای محتال و قبول محال‌علیه» و ذکر عدم قابلیت فسخ عقد توسط هیچ یک از محیل، محتال و محال‌علیه در ماده‌ی ۷۳۲ همان قانون، موید آن است که عقد حواله به صرف توافق طلبکار و داین جدید تحقق نمی‌یابد. در واقع، قبول توسط محتال، رکن اساسی انعقاد عقد مذکور است. حال آن که در انتقال طلب، به دلایل پیش گفته، نیازی به جلب توافق

32. See: Christmas v. Russell, 14 wall. 69, 81U. S. 69, L. Ed. 762 (U. S. Miss. , 1871) and in re Wood's Estate, p 243 P a211, 89 A. 975 (pa 1914).

۳۳. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، تهران، میزان، چاپ چهارم، ص. ۱۳۸۶، ۲۵۲.

۳۴. شعاریان، ابراهیم، انتقال قرارداد، تهران، فروزش، چاپ اول، ص. ۱۳۸۸، ۲۳۱.

۳۵. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، نشر حقوق دانان، چاپ سوم، ۱۳۷۷، صص. ۱۴۵-۱۴۶، امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات، اسلامی، چاپ بیستم، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۰.

۳۶. توکلی کرمانی، سعید، انتقال تعهد در حقوق ایران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۳.

۳۷. همان، ص. ۱۶۶.

۳۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، عقد حواله، تهران، گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص. ۸ به بعد- امامی، همان، جلد دوم، ص. ۲۸۸.

مدیون نمی‌باشد. در گامی فراتر باید گفت در انتقال وجه نیز توافقی بین دستوردهنده و ذی‌نفع وجود ندارد بلکه همان‌گونه که عنوان شد مخاطب دستوردهنده، بانک می‌باشد که باید پس از قبول، نسبت به انتقال وجه اقدام نماید و در این جا توافق بین بانک و مشتری است و اساساً ضرورتی به کسب اجازه از ذی‌نفع نیست. لذا بین حواله و انتقال وجه، اختلافاتی مشهود می‌باشد.

با توجه به بررسی مفهوم انتقال حق در دو نظام حقوقی مورد بحث و این که بانک‌ها در برابر سپرده‌گذاران جز در مواردی که خلاف آن توافق شده باشد، در جای‌گاه و موضع بده‌کار هستند، مسئله‌ی اساسی این جاست که آیا می‌توان دستور سپرده‌گذار به بانک دایر بر انتقال مبلغ مشخصی از حسابش به ذی‌نفع را مصداقی از انتقال حق محسوب نمود؟ پیش از دوره‌ی تقنین در خصوص انتقال وجوه در ایالات متحده، از حیث سابقه‌ی تصمیمات قضایی بی‌تردید، پرونده‌ی موسوم به «دلبروک»^{۳۹} به عنوان تصمیمی حائز اهمیت در بحث حاضر، شایان تأمل می‌باشد.^{۴۰}

در این پرونده انتقال وجه از طریق اتاق پایاپای سیستم پرداخت، نوعی توافق بر انتقال حق متنازع‌فیه دانسته شده است. در این دعوا سپرده‌ی پرداخت‌کننده^{۴۱} در بانکش^{۴۲} حق متنازع‌فیه‌ی تلقی شده که قابل انتقال می‌باشد. انتقال، زمانی محقق گردید که دلبروک (بستانکار) به بده‌کار^{۴۳} دستور داد بخشی از بدهیش را به شخص ثالث معینی^{۴۴} (منتقل‌الیه) در حسابی در بانک دیگری^{۴۵} منتقل نماید. محرز است که انتقال چنین وجهی از طریق اتاق پایاپای سیستم پرداخت به محض ارسال پیام پرداخت، غیرقابل لغو می‌باشد. بر اساس نظر دادگاه، وقتی که بانک ذی‌نفع به عنوان نماینده منتقل‌الیه بعد از انتقال وجه به حساب منتقل‌الیه، گواهی اعتبار را در پایانه‌اش دریافت نمود، در واقع شرط اعلام به منتقل‌الیه که از نظر قاضی در نفوذ انتقال وجه ضرورت دارد، نیز تأمین گردیده است.

تصمیم قضایی متخذه در پرونده‌ی فوق، ناظر بر عدم قابلیت لغو پرداخت می‌باشد. در این نتیجه‌گیری پرداخت از طریق اتاق پایاپای سیستم پرداخت در زمان دریافت پیام پرداخت توسط بانک انتقال‌دهنده از طریق سیستم، غیر قابل لغو بوده، دادگاه از جمله به رویه‌ی بانکی مرتبط با اتاق پایاپای سیستم پرداخت در خصوص عدم قابلیت لغو پیام‌های پرداخت و نیز کامن‌لای حاکم بر انتقال حقوق راجع به اموال متنازع‌فیه استناد نموده است.^{۴۶} تصمیم قضایی موضوع پرونده‌ی فوق از نقطه‌نظر عدم قابلیت لغو پرداخت در پرونده‌ی دیگری^{۴۷} مورد تبعیت دادگاه پژوهش ایالات متحده قرار گرفته است. دادگاه اخیر با اشاره به پرونده‌ی دلبروک نظر داد که در فرآیند انتقال وجه از طریق سیستم اتاق پایاپای سیستم پرداخت تراکنش به محض تحقق انتقال، غیر قابل لغو می‌باشد.^{۴۸}

39. Delbrueck Co. v. Manufactureres Hanover Trust Co. 609 F. 2d 1047(2dCir. , 1979).

40. <http://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/F2/609/1047/107074/> last visited on 2011-10-08 (The official website containing the United Stated Gudicial Cases).

41. Delbrueck.

42. Manufacturer.

43. Manufacturer.

44. Herstatt Bank.

45. Chase Manhattan.

46. Geva, B. , CHIPS Transfer of Funds, USA, J. I. B. L. , 141987, p. 208.

47. Banque Wormsv. Bank America International, 726 F. Supp. 940 (2nd Cir. , 1989) .

48. <http://neuro.law.cornell.edu/nyctap/search/display.html>, last visited on 2011-10-08.

مع الوصف بر اساس ماده‌ی A4 قانون مذکور که متعاقب پرونده‌ی دلبروک تصویب گردیده دستور پرداخت، انتقال حق محسوب نمی‌شود. در این مقرر، مفهوم ((قبول)) پذیرفته و به کار گرفته شده است؛ لذا ذی نفع قبل از قبول دستور پرداخت توسط بانک، هیچ گونه حقی نسبت به وجوه انتقالی ندارد. هیچ وجهی در زمان دستور پرداخت به بانک به ذی نفع منتقل نمی‌شود. بند ۲۰۹ ماده‌ی 4A دستور پرداخت را به عنوان درخواست انتقال دهنده به بانک دایر بر انجام اقدامات لازم جهت اجرای فرآیند انتقال در نظر گرفته است. درخواست مشتری می‌تواند توسط بانک مورد قبول یا رد قرار گیرد. بخش فرعی بازنگری شده بند B مقررات J^{۴۹}، در راستای ایجاد هماهنگی با ماده‌ی A 4 دستور پرداخت‌های انجام شده از طریق فدوایر^{۵۰} را از تحت حاکمیت رای پرونده‌ی دلبروک خارج نموده است. ^{۵۱} بند B که شامل انتقال اعتبار و بدهی از طریق فدوایر می‌شود، بر همه قوانین ایالتی و شرایط قراردادهای خصوصی حتی ماده‌ی A 4 غلبه و تفوق دارد. ^{۵۲} طبق بازنگری مبحث ۵، بند B صراحتاً در ماده‌ی A 4 ادغام شده و ضروری دانسته شده که مقرره‌ی اخیر به تراکشی‌های مشتمل بر بانک‌های ذخیره‌ی فدرال حاکمیت یابد، حتی اگر ایالتی که بانک ذخیره در آن قرار دارد هنوز ماده‌ی A 4 را تصویب نکرده باشد. در فرض تعارض بین مقرره‌ی بخش B و ماده‌ی A 4، ضوابط مقرر در بخش B حاکم است. نتیجه‌ی حاصله از اصلاحیه‌ی مذکور این است که دستور پرداخت در سیستم فدوایر نظیر آنچه در ماده‌ی A4 آمده، انتقال حق در خصوص وجوه نمی‌باشد.

دستورهای پرداخت انجام شده از طریق سایر سیستم‌های پرداخت غیر فدرال در فرض تصویب ماده‌ی A 4 در ایالت مربوطه، تابع این ماده خواهند بود. به عبارت دیگر، دستورهای پرداخت مذکور، انتقال حق محسوب نمی‌شوند. با این وصف، بند 501 ماده‌ی فوق، تغییر مفاد این ماده را بر مبنای توافق طرفین، مجاز می‌داند. هم‌چنین مقرره‌ی مذکور اشعار می‌دارد که در فرض نبود توافق مخالف، قاعده‌ی حاکم بر سیستم انتقال وجه، می‌تواند اثر ماده‌ی A 4 را لغو نماید؛ بدین معنا که دستور پرداخت در فرض نبود توافق مخالف و نیز وجود قاعده‌ی حاکم بر سیستم انتقال، می‌تواند واجد اثر انتقال حق باشد. در حقوق ایران، انتقال طلب به معنی واگذاری حق انتقال دهنده به منتقل الیه است، به نحوی که انتقال گیرنده از هر حیث جانشین وی گردد و حق مذکور را به صورت کامل با تمام لواحقش مالک گردد. ^{۵۳} ضمن این که در انتقال طلب، صورت و شکل خاصی از قرارداد ضروری نیست و طرفین می‌توانند در چارچوب ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی و خارج از قالب‌های عقود معین نیز توافق نمایند. ^{۵۴} در تحقق انتقال طلب رضای مدیون نقشی ندارد و قرارداد بین طلبکار و منتقل الیه واقع می‌شود و حتی، اطلاع مدیون نیز شرط نیست. ^{۵۵}

49. 12C. F. R. , Article:210 (1985) issued by the Board of Governors of the Federal Reserve System.

50. Fedwire.

^{۵۱} بازنگری مذکور توسط صندوق ذخیره‌ی فدرال در اول ژانویه‌ی ۱۹۹۱ اجرایی گردیده است.

^{۵۲} بند ۱۰۷ ماده‌ی A4 صراحتاً مقرر می‌کند که نه تنها مقررات مصوب روسای سیستم ذخیره‌ی فدرال، که همه‌ی مقررات مخالف ماده‌ی اخیر را لغو می‌کند، حتی نسبت به آیین‌نامه‌های اجرایی فدرال نیز چنین غلبه‌ای دارد.

^{۵۳} تفاوت بین تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل داین با انتقال طلب نیز در همین نکته است که بر خلاف صراحت ماده‌ی ۲۹۳ قانون مدنی که تصریح می‌نماید؛ در تبدیل تعهد، تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نمی‌گیرد، در انتقال طلب، مانعی در انتقال تضمینات به منتقل الیه دیده نمی‌شود. معذالک این امر از موارد اختلافی است. نک. صفایی، سیدحسین، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، (تعهدات و قراردادهای)، تهران، ۱۳۵۱، صص. ۲۶۳-۲۶۶.

^{۵۴} کاتوزیان، پیشین، ص. ۲۵۱.

^{۵۵} همان، صص. ۲۶۱ و ۲۶۶.

نظر به مراتب فوق، انتقال الکترونیکی وجه از منظر حقوق ایالات متحده و حقوق ایران، انتقال حق محسوب نمی‌شود؛ زیرا **اولاً**، اگر دستور انتقال الکترونیکی وجه را انتقال حق بدانیم براساس قواعد حاکم بر انتقال حق، در فرض درخواست انتقال توسط پرداخت‌کننده، بده کار یعنی بانک انتقال‌دهنده نمی‌تواند دستور وی دایر بر پرداخت بدهی به ذی‌نفع را رد کند، زیرا در انتقال حق، برای بده کار نقشی متصور نیست. برای بده کار موثر در مقام نیست که بدهی‌اش را به چه کسی بپردازد، مهم برای وی برائت ذمه از دین است. لذا اگرچه ماده‌ی A4 در استعمال اصطلاح انتقال وجه برای احراز ماهیت انتقال از پرداخت‌کننده به ذی‌نفع از عرف تبعیت نموده، لکن در واقع هیچ پول یا مالی در زمان دستور انتقال وجه از پرداخت‌کننده به ذی‌نفع، انتقال نیافته است. (بند 404 و 401 ماده‌ی A4). در حقوق ایران نیز جز در فرضی که بانک بر اساس قراردادی، متعهد به قبول دستورهای پرداخت مشتری خود شده باشد، الزامی برای قبول دستور پرداخت نبوده و تا زمانی که دستور مورد قبول قرار نگرفته باشد، برای بانک تعهدی دایر بر انتقال وجه ایجاد نمی‌گردد و این امر یعنی تعیین‌کننده بودن تصمیم مدیون با ماهیت انتقال حق منافات دارد. **ثانیاً**، بند ۲۱۱ ماده‌ی مذکور به ارسال‌کننده دستور پرداخت اجازه می‌دهد که دستور را به صورت شفاهی، الکترونیکی یا کتبی، لغو یا آن را اصلاح کند مشروط بر این که اعلامیه‌ی لغو یا اصلاح در زمان مقتضی و متعارف به بانک ارسال‌کننده واصل گردد، به نحوی که بانک مذکور، قبل از قبول، برای اجرای مفاد دستور لغو یا اصلاح، فرصت متعارفی داشته باشد.^{۵۶} بدیهی است که در نظر گرفتن امکان لغو یا اصلاح برای پرداخت‌کننده در تراکنش انتقال الکترونیکی وجه و مضافاً در نظر گرفتن امکان رد درخواست انتقال دهنده برای بانک انتقال‌دهنده، مغایر اصول اولیه ناظر بر انتقال حق است. در حقوق ایران نیز چنان‌که گفته شد در صورت تحقق انتقال قراردادی طلب، داین جدید جای‌گزین داین سابق می‌گردد و اساساً نقشی برای داین سابق در تغییر مفاد توافق دایر بر انتقال طلب، پیش‌بینی نشده است. **ثالثاً**، در هر دو نظام حقوقی، مفهوم انتقال حق، نمی‌تواند در مقام تبیین قصد مشترک طرفین رابطه‌ی انتقال الکترونیکی وجوه برآید و مصالح طرفین این رابطه نیز با ترتب آثار انتقال حق بر دستور پرداخت، به خوبی تأمین نمی‌گردد. در حقوق ایران در خصوص انتقال حق قراردادی، ضمن این که تبعیت از قالب و شکل خاصی ضرورت ندارد، شرط مندرج در ماده‌ی ۱۹۱ قانون مدنی لازم‌الحصول است و قصد انشا باید به نحوی ابراز گردد. در حقوق ایالات متحده نیز برای نفوذ انتقال حق قراردادی، مالک آن حق می‌باید قصد خود را دایر بر انتقال حق بدون اقدام دیگری توسط وی یا متعهد، اعلام نماید.^{۵۷} این یک قاعده‌ی حقوقی است که انتقال حق عمل یا اعلامی است توسط مالک حق که به قصد وی دایر بر انتقال آن به غیر بدون اقدام دیگر توسط مالک اشاره دارد.^{۵۸} اعلام اراده‌ی انتقال، امری تفسیری است که باید بر اساس کلیه‌ی اوضاع و احوال و شرایط مشتمل بر الفاظ و اعمال انتقال‌دهنده پاسخ داده شود.^{۵۹} در بعضی رویه‌های قضایی آمریکایی حتی موردی که به صورت کتبی در آن به انتقال حق تصریح شده، به دلیل این که از جمله میزان بدهی دقیقاً مشخص نگردیده، مصداق انتقال حق محسوب نشده است.^{۶۰} در عمل، پرداخت‌کننده از منظر نماینده به بانکش می‌نگرد. بانک نیز به انتقال الکترونیکی وجوه به

^{۵۶}. بر اساس بند (2) (c) 211 ماده‌ی A4 برای هیچ کدام از بانک‌های انتقال‌دهنده و پرداخت‌کننده حق بدون قیدی جهت لغو یا اصلاح دستور پرداخت بعد از قبول توسط بانک ذی‌نفع وجود ندارد. دلیل این شرایط دشوار، حفظ حقوق ذی‌نفع و اشخاص ثالثی است که ممکن است حقوق‌شان بر اثر این اقدام تحت‌الشعاع قرار گیرد.

^{۵۷}. Farnsworth, E. A; Contracts Boston, Little & Brown, 32, 1982, p 754.

^{۵۸}. Kessler, F. and Gilmore, G; Contracts: Cases and Materials, Boston, Little & Brown, 1974, p. 120 1974, 120.

^{۵۹}. Ibid; 754.

^{۶۰}. See: Certified Collector v. Lesnick, 116 Ariz. 601, 570 P. 2d 769 (1977).

عنوان یکی از خدمات بانکی عرضه شده به مشتریان نگاه می‌کند. ذی‌نفع نیز در شرایط متعارف تا اعتبار در حسابش کارسازی نگردد، خود را دریافت‌کننده وجه نمی‌داند. او ید مستقیم و طرف رابطه‌ی حقوقی خود را پرداخت‌کننده می‌داند نه بانک انتقال‌دهنده و یا بانک دریافت‌کننده. بانک دریافت‌کننده را نیز پرداخت‌وجه به مشتری را نوعی خدمت بانکی به مشتری تلقی می‌کند. موارد مذکور، انتظارات متعارف طرفین این عملیات بوده است. در تراکنش‌های متعارف انتقال الکترونیکی وجه، هیچ تصریحی دایر بر قصد انتقال فوری وجه به ذی‌نفع وجود ندارد، شرطی که ضرورت تحقق انتقال حق است. مضافاً، حکم داده شده که توافق بر پرداخت وجه معینی هر قدر هم صریح در معنا باشد، انتقال وجه مبتنی بر انصاف نیست^{۶۱} و مجوز کتبی توسط بستانکار به بده کار دایر بر پرداخت به ثالث و تامین اعتبار حساب صادرکننده، انتقال حق محسوب نمی‌شود، زیرا در آن هیچ‌گونه قصدی بر انتقال مالکیت محرز نگردیده است.^{۶۲} در واقع، بانک تمایلی ندارد در رابطه با اجرای تعهدات دستوردهنده نسبت به ذی‌نفع، جانشین دستوردهنده شود. ریسک‌هایی که بانک در چنین فرضی متحمل می‌گردد به نسبت مزایای استحصالی در ازای ارایه‌ی خدمات بسیار بیش‌تر است. در برابر، ذی‌نفع نیز تمایل ندارد قبل از این که وجوه در عالم واقع در بانکش وصول گردد، پرداخت شده فرض گردد و در این راستا ریسک ورشکستگی بانک واسط را متحمل شود. **رابعاً**، در عمل ممکن است اجرای دستورهای پرداخت باوجود عدم موجودی در حساب صادرکننده دستور باشد و بانک ضمن پذیرش عدم موجودی کافی، نسبت به اجرای دستور اقدام نماید. بدیهی است که این‌گونه اقدامات از طرف بانک بنا به مصالح تجاری و مبتنی بر نوع روابط خاص بین بانک و مشتری است. بانک ممکن است بیش از موجودی مشتری نسبت به تامین اعتبار و انتقال اقدام نماید؛ با این اعتقاد که مشتری قبل از زمان انتقال وجه نسبت به تامین وجه اقدام می‌کند. در فرض حاضر دستور پرداخت، انتقال حق را محقق نمی‌سازد، چرا که فرض وجود دین منتفی است و در مانحن فیه، مشتری در جای‌گاه طلبکار بانک قرار ندارد. مشتری که از بانک طلبکار نمی‌باشد نمی‌تواند انتقال‌دهنده‌ی حق تلقی گردد؛ بانک به مشتری بدهی ندارد که آن بدهی انتقال داده شود. اما در فرضی که بانک معتقد است، وجوه قبل یا هم‌زمان انتقال توسط مشتری تامین می‌گردد، باید در دو حالت قائل به تفصیل شویم. حالتی که تصور بانک، مستند به دلایل و مدارکی بوده یا صرفاً بر انتظارات بانک از مشتری مبتنی باشد. در فرض مستند بودن انتظار بانک، انتقال حق محقق می‌شود مگر پرداخت‌کننده مجاز به لغو دستور پرداختش باشد. مستند و دلیل مورد بحث می‌تواند در شکل قرارداد موجودی بین بانک و مشتری باشد که بر مبنای آن، نفع و مصلحت مشتری بانک، تامین اعتبار قبل از پرداخت است. در حالت دوم و نبود چنین دلیل قابل استنادی، انتقال حق، نفوذ حقوقی ندارد.^{۶۳}

⁶¹. See: Christmas v. Russell 14 Wall, 69, 84, 81 U. S. 69, 84 (U. S. Miss. , 1871).

⁶². See: Structural Gypsum Co. v. National Com. 105 N. J. Eq. 424, 148A. 199 (1929), Edmund Wright Ginsburg Corp v. CD Kepner Leather Co. 317 Mass. 581, 59 N. E. 2d 253 (1945) and Samstage v. Orr, 101 Ark. 582, 142 S. W. 1127 (1912), Schreiber Keller Engraving Co. 57 Misc. 644, 108 N. Y. S. 658.

⁶³. The first sentence of this statement has been quoted by: Moore J. in Delbrueck Case, supra, at 1051. See also: Schreiber.

v. Keller Engraving Co. 57 Misc 644, 108 N. Y. S. 658 (Sup. Ct. 1908). Jeager W, op. cit, Vol. 2, at para. 426).

نتیجه گیری

با لحاظ سوابق تقنینی و قضایی مورد توجه در نظام حقوقی ایالات متحدهی آمریکا، نظام حقوقی ایران با وجود نبود سابقه‌ی قانون‌گذاری درخصوص موضوع بحث، با ابتنا بر منابع موجود، اقتضای دریافت ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجه را دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تشابهات عمده‌ای بین رویکرد این دو نظام حقوقی در خصوص بحث انتقال حق وجود دارد. با تحلیل حقوقی دو مفهوم انتقال حق و انتقال الکترونیکی وجوه مشخص می‌گردد که فارغ از بعضی قرابت‌های ظاهری، امکان انطباق این دو نهاد، به دلایل مختلف حقوقی میسر نیست. عمده دلایل مشترک عدم انطباق مفهوم انتقال الکترونیکی وجوه با انتقال حق عبارتند از این که اولاً، قبول دستور پرداخت توسط بانک در انتقال الکترونیکی وجوه ضرورت دارد، حال آن که در فرض انطباق با مفهوم انتقال حق، این ضرورت وجود ندارد؛ ثانیاً، امکان و قابلیت لغو دستور قبل از قبول توسط بانک در انتقال الکترونیکی وجوه وجود دارد، حال آن که در انتقال حق چنین امکانی متصور نمی‌باشد؛ ثالثاً، طرفین در انتقال الکترونیکی وجوه در واقع قصدی دایر بر انتقال حق ندارند؛ و رابعاً، در انتقالات الکترونیکی وجوه ضرورتی بر بده‌کاری بانک به مشتری برای اجرای دستور پرداخت دیده نمی‌شود، حال آن که شرط اصلی تحقق انتقال حق، مدیونیت قبلی است.

در مجموع، تغییر رویکرد رویه‌ی قضایی ایالات متحدهی آمریکا از طریق قانون‌گذاری مرتبط نیز موید صحت استدلال‌ات مذکور است. لذا در نظام حقوقی ایالات متحده بر مبنای قوانین و رویه‌ی قضایی و در نظام حقوقی ایران با ابتنا بر قواعد عمومی قراردادهای، نمی‌توان ماهیت انتقال الکترونیکی وجوه را مصداقی از انتقال حق دانست. بدیهی است شناخت ماهیت این نهاد، مستلزم توجه در سایر نهادهای حقوقی می‌باشد که در پژوهش‌های بعدی تحقق خواهد یافت.

در مجموع، با توجه به اقبال گسترده‌ی دولت به توسعه بانک‌داری الکترونیک در ایران و ضرورت هم‌گامی نظام حقوقی جهت هدایت و تنسيق ساختارهای فنی موجود، بهره‌مندی از تجارب سایر کشورها امری ضروری و ناگزیر می‌باشد. در این راستا تدوین و تصویب قوانین مرتبط با انتقال الکترونیکی وجوه که فرآیندهای جاری را به نحو مطلوبی تنظیم نماید، ضرورتی انکارناپذیر محسوب می‌گردد.

منابع

الف: کتب و مقالات انگلیسی

1. Farnsworth E. A., Contracts ,Boston , Little & Brown,Boston,32 . 1982
2. Gale Group, Gale Encyclopedia of Everyday Law, USA, Gale. Vol. 1, 2003
3. Geva, B. , ,CHIPS Transfer of Funds,USA, J. I. B. L. ,. 1987(14)
4. Fry, P. B; Basic Concepts in Article A4: Scope and Definitions, USA, The Business Lawyer. 1990,
5. Kessler F. and Gilmore G, Contracts: Cases and Materials ,Boston,Little & Brown
6. Mc Kelvy T. E. , , ArticleA4of Uniform Commercial Code: Finality, Banks and their Customers Know where they Stand and Who Pays When a Wire transfer Goes Away, USA, Memphis State University , 21. 1991
7. Sienkiewicz, Stanley J, ((The Evolution of EFT Networks from ATM's to new on line Debit Payment Product)), USA, Federal Reserve Bank of Philadelphia, April. , 2002
8. Jeager W. , , Williston on the law of Contracts, New York, The Lawyers Co-operative Publishing Co. , 3. 1972
9. White, Paul F; Islam, Sardar M. N. , Formulation of Appropriate Laws: A New Integrated Multidisciplinary Approach and an Application to Electronic Funds Transfer Regulation, Germany, Springer. 2008,

ب: فارسی

۱. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، چاپ بیستم؛ ۱۳۸۷.
۲. توکلی کرمانی، سعید، انتقال تعهد در حقوق ایران، انتشارات جنگل، چاپ اول. ۱۳۸۹.
۳. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، عقد حواله، تهران، گنج دانش، چاپ سوم. ۱۳۷۸.
۴. شعاریان، ابراهیم، انتقال قرارداد، تهران، فروزش، چاپ اول. ۱۳۸۸.
۵. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، نشر حقوق دانان، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۶. عباسی نژاد، حسین؛ مهرنوش، مینا، بانک داری الکترونیکی، تهران، سمت، دوم. ۱۳۸۸.
۷. عمل نیک، محسن صادق، و دیگران، «تدوین روی کرد انتقال از بانک داری سنتی به بانک داری الکترونیک در ایران»، فصل نامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ی ۷، ۱۳۸۵.
۸. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، تهران، میزان، چاپ چهارم. ۱۳۸۶.

ج: منابع اینترنتی

1. www.law.duke.edu/lib/researchguides/pdf/ucc.pdf, last visited on 2011-10-08
2. www.fms.treas.gov/eft/index.html, last visited on 2011-10-08
3. www.qmb.ir/Services/ModernBanking/atm/ATMIntroduction.aspx , last visited on 2011-10-08
4. <http://inventors.about.com/od/astartinventions/a/atm.htm>, last visited on 2011-10-08
5. www.chips.org/about/pages/033738.php, last visited on 2011-10-08
6. www.law.cornell.edu/ucc/4A/4A-102.html, last visited on 2011-10-08

7. <http://neuro.law.cornell.edu/nyctap/search/display.html> , last visited on 2011-10-08
8. <http://bankdar.ir/blog/?p=29> ,last visited on 2011-10-08
9. <http://ezinearticles.com/?History-of-POS-Equipment&id=2012699> last visited on 2011-10-08
- <http://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/F2/609/1047/107074/> last visited on 2011-10-08.